

# راهبردهای جدید سیاست جنایی در مبارزه با فساد با تاکید بر جرایم ارتشا و اختلاس

حسین آقابابائی

استادیار حقوق دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۸۵/۰۶/۰۷

تاریخ تایید: ۸۶/۰۳/۲۸

## چکیده

ضرورت مبارزه با فساد اقتصادی و مالی در سطح ملی و بین المللی به ایجاد سیاست جنایی خاصی حول این موضوع منجر شده است. تلاش های ملی و منطقه ای برای مبارزه همه جانبه با فساد، به تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد انجامیده است. راهبردهای جدید مورد توجه در این کنوانسیون و تحولات حقوق کیفری ایران در امر مبارزه با فساد، موضوع این نوشتار است. واژگان کلیدی: سیاست جنایی، فساد، ارتشا، اختلاس.

## مقدمه

سیاست جنایی (Criminal policy) عبارت است از: «مجموعه روش هایی که هیأت اجتماع با استفاده از آنها پاسخ های به پدیده مجرمانه را سازمان می بخشد». (دلما س مارتی، ۱۳۸۱: ۱۵) با ملاحظه مفهوم موسع سیاست جنایی و ابزارهایی که هیأت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) برای مبارزه با ناهنجاری و یا پاسخ به پدیده مجرمانه مورد استفاده قرار می دهد، به صورت کلی دو روش پیشگیرانه و سرکوب کننده قابل ذکر است. به عنوان قاعده کلی، اقدامات پیشگیرانه اقداماتی کم هزینه تر و سودمند تر به حال فرد و اجتماع خواهد بود.

مبارزه با فساد اقتصادی هم از این قاعده مستثنا نیست. بسیاری از ارزش های اخلاقی، آموزه های مذهبی و آداب و رسوم عرفی، ابزارهای مناسبی برای پیشگیری از فساد اقتصادی می باشند. در عین حال، در دنیای پیچیده و صنعتی امروز که بسیاری از ارزش های مذهبی و اخلاقی کم رنگ شده و نقش مؤثر آنها در مناسبات فردی و اجتماعی به کناری نهاده شده است، بسیاری از نظام های حقوقی از طریق وضع قوانین آمره و الزام کننده در صدد نظم بخشی اجتماعی بر آمده و سعی کرده اند با وضع قوانین و مقررات پیشگیرانه ضد فساد و اصلاحات سازمانی و ایجاد حساسیت در افکار عمومی، به گونه ای از گسترش و فراگیر شدن فساد جلوگیری کنند. از جمله در «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد»

(United Nations Convention against Corruption) که از منابع اصلی این نوشتار است، در فصل دوم و در مواد پنجم تا پانزدهم به متدها و روش‌های پیشگیرانه ضد فساد پرداخته شده است. بررسی این مقررات و مطالعه سیاست جنایی ایران در زمینه استفاده از ابزارهای پیشگیرانه ضد فساد به فرصت دیگری واگذار می‌شود. در این مجال به راهبردهای جدید سیاست جنایی ترمیمی برای مبارزه با فساد اقتصادی اشاره می‌کنیم. چارچوب بحث ما تبیین راهبردها، سیاست‌ها و روش‌هایی است که ضمن این که در برخی کشورها که رتبه خوبی در مبارزه با فساد دارند تجربه شده است، در برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد در مبارزه با فساد مورد تاکید قرار گرفته و به دولت‌های عضو سازمان ملل متحد جرم‌انگاری بر اساس آن برای هماهنگ‌سازی مبارزه با فساد و تنظیم سیاست جنایی ضد فساد توصیه شده است. توضیح ضروری این که با توجه به گستردگی مباحث مطرح شده در این کنوانسیون و مقررات مرتبط با آن، تاکید این نوشتار بر بررسی مواد مربوط به جرایم ارتشا و اختلاس و نوآوری‌های کنوانسیون موصوف در این جرایم است.

### گفتار اول: جرم رشوه

#### الف) قلمرو سنتی

در تعریف سنتی، جرم رشوه، گرفتن وجه، مال یا امتیازی از طرف کارکنان و مأموران عمومی و بخش دولتی برای انجام یا ترک فعلی است که از وظایف قانونی آنها است. این عمل واجد وصف کیفی بوده و بخش خصوصی از شمول بحث رشوه مستثنا بوده است.<sup>۱</sup>

در متون روایی<sup>۲</sup> و ادبی<sup>۳</sup> موجود هم همواره اخذ رشوه در مورد مأموران دولتی از جمله قضات و صاحب منصبان دولتی مطرح شده است. در حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار در قوانین متعددی با تصریح به افراد مشمول مقررات راجع به ارتشا، به محدود بودن مصادیق قانون به افراد شاغل در

۱ - «رشوه، دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو این که آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۳۵).

۲ - عن امیر المؤمنین (ع): «ایما وال احتجب عن حوائج الناس احتجب الله عنه یوم القیامه و عن حوائجه و ان اخذ هدیة کان غلولا و ان اخذ رشوة فهو مشرک» (شیخ صدوق، ۱۳۶۸، ۲۶۱) عن ابی عبد الله (ع): «الرشاء فی الحکم هو الکفر بالله. من اکل السحت الرشوة فی الحکم» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۸/ ۱۶۳).

۳ - مولوی: چون دهد قاضی به دل رشوت قرار کی شناسد ظالم از مظلوم زار  
 چون غرض آید هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به سوی دیده شد  
 سعدی: قاضی که به رشوت بخورد پنج خیار ثابت کند از بهر تو صد خربزه را

بخش عمومی و دولتی تأکید کرده است.<sup>۱</sup> تنها مصداق قابل ذکر از تحقق جرم رشوه در بخش خصوصی در حقوق ایران که البته بدون تصریح به عنوان جرم رشوه در ذیل فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی مطرح شده است، اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم از سوی داوران و ممیزان و کارشناسان در قبال اخذ وجه است. در حقوق کشور کانادا جرایم رشوه و ارتشا در مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ قانون جزا در رابطه با اشخاصی مثل قضات، مأموران پلیس، اعضای پارلمان و نظایر آنها پیش بینی شده است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰: ۳۶۰).

در حقوق انگلستان بر اساس «قانون رویه‌های فساد آلود نهاد‌های عمومی ۱۸۸۹» (Public Bodies Corrupt Practices Act 1889) که با «قانون پیشگیری از فساد ۱۹۱۶» (Prevention of Corruption Act 1916) اصلاح شده است، رشوه عبارت است از اعطا یا پیشنهاد هر گونه پاداش یا امتیاز به عضو یا مأمور بخش عمومی جهت انجام کاری در ارتباط با وظایف محوله آن فرد (A. Martin, 2001: 56). در عین حال عبارات مندرج در بخش یک «قانون پیشگیری از فساد مصوب ۱۹۰۶» انگلستان به گونه ای تنظیم شده که مرتکب رشوه را اعم از شاغلین در بخش خصوصی و عمومی می‌داند. در این قانون «عاملی» (Agent) را که برای انجام یا عدم انجام عملی در رابطه با کار یا شغل شخصی، هدیه یا مبلغ قابل اعتنایی می‌گیرد مجرم محسوب کرده است. در این جا «عامل» در معنای محدود آن به کار نمی‌رود بلکه هر کسی را که برای دیگری کار می‌کند در بر می‌گیرد (Ibid).

ماده ۹-۴۳۴ قانون مجازات جدید فرانسه، هر عملی را که توسط قاضی یا یک عضو هیأت منصفه و یا هر شخصی که در تشکیلات قضایی شاغل است یا داور و کارشناس، اعم از این که این کارشناس منتحب دادگاه باشد یا مرضی الطرفین باشد یا شخصی که از طرف مقام قضایی برای ایجاد سازش و میانجی‌گری تعیین شده باشد صورت گیرد، رشوه محسوب کرده است (کوشا، ۱۳۸۱: ۵۰). همان گونه که ملاحظه می‌گردد در این قانون جرم رشوه در مورد اعضای هیأت منصفه و افراد

---

۱- در ماده ۱۳۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ آمده بود: «هر یک از مستخدمین قضایی یا غیر قضایی دولت که برای انجام امری که از وظایف آنان است وجه یا مالی را قبول کند اگر چه انجام آن امر بر طبق حقانیت بوده باشد مرتشی محسوب و مجازات آن انفصال دائمی از خدمت دولت و تأدیه غرامت است» در حال حاضر ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) صور عام رشوه را به این شکل مطرح نموده است: «هریک از مستخدمان و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت های دولتی یا سازمان های دولتی یا وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی، خواه رسمی یا غیر رسمی، برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان های مزبور می باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است».

میانجی‌گر هم که عضو رسمی دستگاه قضایی نیستند مصداق دارد؛ در عین حال مجازات قاضی در صورت دریافت رشوه از سایر افراد بیشتر است (همان).

حقوق مصر، عمل ارتشا را در صورتی هم که از سوی کارمندان بخش خصوصی انجام گیرد جرم لکن آن را از درجه جنحه به جای جنایت محسوب کرده است.<sup>۱</sup> از جهت عناصر مادی و روانی تفاوتی بین این دو جرم نیست و تنها تفاوت موجود از نظر صفت فاعل و موقعیت و مجال وقوع آن است (بهنام، بی تا: ۴۳).

### ب) گسترش جرم انگاری

#### ۱- رشوه در بخش خصوصی

تحولات جدید زندگی اجتماعی، کم رنگ شدن مرز جداکننده بخش خصوصی و دولتی به جهت تصدی بخش خصوصی نسبت به برخی خدمات عمومی که به شکل سنتی از وظایف بخش عمومی و دولت به حساب می‌آید، همچنین مرتبط شدن موضوع فساد با امنیت و ثبات نظام‌های سیاسی، سیاست جنایی را به سمت گسترش مفهومی و مصداقی جرم رشوه رهنمون ساخته است. یکی از نویسندگان دسته کم سه دلیل ذیل را باعث توجه بیشتر به فساد مالی در بخش خصوصی می‌داند:

۱- این گفته که اهمیت فساد در بخش خصوصی کمتر از بخش عمومی است منجر به خلق معیارهای دوگانه‌ای می‌شود که توجه آن بنا به دلایل اخلاقی، اجتماعی یا اقتصادی دشوار است و ممکن است باعث کج فهمی راجع به موازین اخلاقی مورد انتظار از بخش خصوصی گردد.

۲- با خصوصی شدن فزاینده کارویژه‌های بخش عمومی یا سپردن آنها به بخش خصوصی، ترسیم خط فاصل میان دو بخش عمومی و خصوصی دشوارتر می‌شود. جاهایی که امور عام المنفعه در دست بخش خصوصی است، دقیقاً معلوم نیست چرا فساد صرفاً به این دلیل که بخش خصوصی است به دیده اغماض نگریسته می‌شود.

۳- این موضوع جای تردید دارد که فساد در بخش خصوصی در مقایسه با فساد در بخش عمومی لطمات کمتری به منافع عموم وارد می‌کند. همانند فساد در بخش عمومی، فسادهای مالی کلان در بخش خصوصی بهای کالاهای مصرفی را افزایش و باعث افت زیاد درآمد و کاهش عواید مالیاتی می‌گردد (پاتی افوسو، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

۱- «کل مستخدم طلب لنفسه او لغيره او قبل او اخذ و عدا او عطیة بغير علم مخدومه و رضائه لاداء عمل من الاعمال المكلف بها او الامتناع عنه يعتبر مرتشياً و يعاقب بالحبس مدة لا تزيد على سنتين و بغرامة لا تقل عن ۲۰۰ جنيه و لا تزيد على ۵۰۰ او باحدى هاتين العقوبتين» (بهنام، بی تا: ۴۳).

در این راستا از دهه ۱۹۹۰ مقارن با طرح مفهوم «حکمرانی خوب» (Good Governance) تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای توسعه در مفهوم و مصادیق رشوه شکل عملی به خود گرفته است.

در سطح کشورهای اروپایی در نوزدهمین کنفرانس وزرای دادگستری کشورهای اروپایی که در ۱۹۹۴ در والتا در کشور مالت برگزار شد عنوان گردید که فساد تهدیدی جدی برای دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر به شمار می‌آید. سپس شورای اروپا اعضای خود را به مقابله با این تهدید فرا خواند. پیشنهاد وزیران عضو کارگروه مربوط این بود که یک گروه چند رشته‌ای زیر نظر کمیته اروپایی مسائل تبهکاری (European Committee on Crime Problem) و کمیته اروپایی معاضدت حقوقی (European Committee on Legal Cooperation) با هدف تنظیم قواعد رفتاری الگو و از جمله انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی در این خصوص تشکیل گردد. ثمره این تلاش‌ها گشوده شدن «کنوانسیون حقوق کیفری در مورد فساد» (Criminal Law Convention on Corruption) در دسامبر ۱۹۹۸ برای امضای اعضای اتحادیه اروپا بود.<sup>۱</sup> این کنوانسیون تعریفی مفصل از فعالیت‌هایی که زیر عنوان فساد مالی جای می‌گیرند ارائه می‌دهد. حوزه شمول کنوانسیون به مقامات و مأموران عمومی دولتی محدود نمی‌شود؛ بلکه کارکنان بخش خصوصی (ماده ۷)، کارکنان رسمی خارجی (ماده ۵)، کارکنان سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و قضات و مقامات دادگاه‌های بین‌المللی (ماده ۹) را هم شامل می‌شود (همان: ۱۲۱).

با وجود این که به نظر می‌رسد بحث مقابله با رشوه در بخش خصوصی برای نخستین بار در کنوانسیون منطقه‌ای فوق‌مورد توجه قرار گرفته است، ایده گسترش جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی در کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد به شکل صریح تری مورد استقبال قرار گرفته و همسان با توصیه به پیش‌بینی همه اقسام رشوه در بخش عمومی، به تمام کشورهای عضو توصیه شده است که در مقررات داخلی خود نسبت به جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی اقدام کنند. در ماده ۲۱ کنوانسیون مذکور آمده است:

«هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مد نظر خواهد داد تا موارد زیر در صورتی که به صورت عمدی<sup>۲</sup> در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا تجاری انجام یافته باشد، جرم کیفری تلقی شود:

1- Council of Europe, 1998, December 1. "Explanatory Report on the Criminal Law Convention" MGC (98) 40. Strasbourg.

۲- در متن ترجمه شده‌ای که پیوست «لایحه اجازه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد» گردیده و برای تصویب به قوه مقننه ارسال شده کلمه Intentional با کلمه International اشتباه گرفته شده و به جای ترجمه به «عمدی»، «بین‌المللی» ترجمه شده و جالب است که همین متن بدون اصلاح مورد تصویب قوه مقننه قرار گرفته و در صورت عدم اصلاح، اشکالات زیادی در اجرای این کنوانسیون ایجاد خواهد کرد.

الف- قول، پیشنهاد یا اعطای مستقیم یا غیر مستقیم هر گونه امتیاز ناروا نسبت به هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند برای خود آن شخص یا شخص دیگر برای این که وی با زیر پا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام یا از انجام آن امتناع کند.

ب- درخواست یا قبول مستقیم یا غیر مستقیم هر امتیاز ناروا از طرف مدیر یا شاغل در بخش خصوصی در هر سطحی به نفع خود یا دیگری به منظور این که بر خلاف وظیفه اش کاری انجام یا از انجام آن امتناع ورزد».

به دنبال توصیه به جرم انگاری رشوه در بخش خصوصی در کنوانسیون مزبور، رئیس اتاق بازرگانی بین المللی در نامه ای به رئیس سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه سازمان ملل متحد از ایشان در خواست نمود که با توجه به مفاد کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد، به اصلاح مقررات سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) و پیش بینی ممنوع بودن رشوه و فساد در بخش خصوصی، اقدام گردد. همچنین قوانین جدید ارتشا و فساد مالی در کشورهای هنگ کنگ، تانزانیا و مالای ناظر بر فساد مالی در هر دو بخش عمومی و خصوصی است (دبلیو. پاتی افسو و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

با توجه به این تحولات مهم در سطح بین المللی و با عنایت به این که مقررات کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد فساد بر اساس ماده ۶۸ کنوانسیون از ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ و پس از تودیع سی سند الحاق جنبه رسمیت یافته و دولت جمهوری اسلامی ایران هم در سال ۱۳۸۵ لایحه اجازه الحاق به این کنوانسیون را تقدیم قوه مقننه نموده است؛ همچنین با توجه به افزایش درآمدهای نفتی کشور در سال‌های اخیر و سیاست دولت در تخصیص مبالغی از صندوق ذخیره ارزی به بخش خصوصی جهت افزایش اشتغال و رشد اقتصادی، به نظر می‌رسد تجدید نظر در مقررات راجع به ارتشا و تسری آن به بخش خصوصی ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این که مقررات راجع به رشوه در حقوق کیفری فعلی ایران مقررات تعزیری<sup>۱</sup> و قابل توسعه و تسری به مصداق‌های جدید

۱- رای وحدت رویه دیوان عالی کشور شماره ۶۷۷-۱۳۸۴/۴/۱۴: «وضع جرایم واجد مجازات‌های بازدارنده در اختیار حکومت است، زیرا مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) کیفرهای مذکور برای حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماعی در قبال تخلف از مقررات و نظام‌های حکومتی اعمال می‌گردد و براساس تبصره یک ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) «تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده ...» و اصل حکم پرداخت و دریافت رشوه را نیز شرع انور بیان فرموده اند و در موارد مربوط به موضوع در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، به ممنوعیت مستخدمین دولتی به طور کلی اعم از قضایی و اداری از دریافت رشوه به هر عنوان تصریح گردیده و در تبصره های ۲ و ۵ قانون اخیر الذکر، نوع مجازات را «تعزیری» اعلام نموده اند. لذا رشوه از عداد مجازات‌های بازدارنده که از طرف حکومت تعریف می‌گردد خارج و به حکم دارای مجازات تعزیری بوده و مشمول مقررات ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌باشد».

است و موازین فقهی راجع به جرم انگاری رشوه از جمله حرمت اکل مال به باطل<sup>۱</sup> و حرمت تحصیل در آمد نامشروع<sup>۲</sup> ظرفیت گسترش این جرم و شامل شدن مصادیق جدید را دارد، به نظر می‌رسد همراهی با تحولات سیاست جنایی در سطح بین‌المللی و جرم انگاری رشوه در بخش خصوصی، انگیزه مضاعفی برای سرمایه‌گذاری و تولید را موجب خواهد شد. این بحث با توجه به سیاست‌های کلی اعلام شده در سطح مسئولان نظام اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.<sup>۳</sup>

## ۲- رشوه در قراردادهای تجاری بین‌المللی

رشوه خواری در قراردادهای تجاری بین‌المللی یکی از مشکلات اساسی و منشا بحث‌های متعددی در سطح شرکت‌های تجاری بین‌المللی و نهادهای تجاری بین‌المللی بوده است. گستردگی و شیوع رشوه در این حوزه به میزانی بوده که برخی برای عقب‌نیفتادن از رقیب‌های تجاری و به جهت مصالح تجارت بین‌المللی، در مقام قانونی کردن و زایل نمودن قبح اخلاقی آن بر آمده‌اند. آقای برون اپتی (Brune Opptit) حقوق دان فرانسوی در مقاله‌ای در ۱۹۸۷ تحت عنوان «پارادوکس رشوه از منظر حقوق تجارت» می‌نویسد: «پدیده رشوه یک تناقض (پارادوکس) واقعی است؛ از این جهت که همزمان هم مورد نفی و انکار همگی است و هم در تمام جهان شایع است» (شریعت باقری: ۳).

ایشان با نقد نظریه کسانی که معتقدند رشوه مخالف نظم عمومی است می‌نویسد: «این مخاطره‌انگیز است که به یک نظام حقوقی ملی مثل فرانسه، اصلی از نظم عمومی را نسبت دهیم که به موجب آن ارتکاب رشوه در روابط تجاری بین‌المللی آثار حقوقی قراردادها را زایل می‌سازد. در واقع از بررسی حقوق عملی ما آن چه بیشتر احساس می‌شود، انعطاف نسبت به این عمل است؛ انعطافی که ناشی از واقع‌گرایی و ضرورت‌های مناسبات تجاری بین‌المللی است» (همان). ایشان به سیر تحول اخلاق در جامعه بشری اشاره کرده و معتقد است: «همان‌گونه که تلقی جامعه نسبت به اخلاق فردی و اجتماعی در مسائلی از قبیل زنا، سقط جنین و یا بازی بخت آزمایی دچار تغییر و تحول شده، مسئله رشوه هم به همین سرنوشت مبتلا شده است و بنابراین اگر قانونی بودن آن هنوز در حوزه حقوق عمومی وارد نشده است اما غیر قانونی بودن آن نیز معین نیست» (همان). آقای اپتی ضمن اشاره به متونی که از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اتاق تجارت بین‌الملل و جامعه اروپایی دایر بر طرد و نفی رشوه تهیه و منتشر شده، در قصد واقعی نویسندگان این متون

۱- «و لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها الى الحكام لتاكلوا فريقتا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون» (بقره: ۱۸۷)؛ «و تری کثیرا منهم یسارعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السحت لبس ما کانوا یعملون» (مائده: ۶۱).

۲- «و لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منكم» (نساء: ۲۹).

۳- در بند ۷ بیانیه مقام رهبری مشهور به فرمان هشت ماده‌ای خطاب به سران سه قوه آمده است: «در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود...»

تردید کرده است. صرف نظر از صحت و سقم مبانی استدلال آقای اپتی، سخنان نامبرده حکایت از واقعیتی به نام فساد شدید در قراردادهای تجاری خارجی دارد که تحت عناوین و اسم‌های متفاوتی از قبیل کمیسیون، دلالی، نمایندگی، قرارداد واسطه، توصیه، کمک فنی و غیره در جریان بوده و سبب کنار رفتن موازین اخلاقی در قراردادهای تجاری بین‌المللی می‌شود.

در مواجهه با این مشکل دو راه حل وجود دارد: یکی این که همانند آقای اپتی پرداخت رشوه و هزینه‌های اعمال نفوذ در مقامات محلی در راستای انعقاد قراردادهای تجاری را به عنوان امری عادی و رویه جاری در این قبیل معاملات پذیرفته و بر آن مهر تأیید بزنیم؛ یا این که روش و رویه‌ای ایجاد شود که معاملات تجاری بین‌المللی در محیطی سالم و عاری از فساد صورت گیرد.

مجموعه تلاش‌هایی در سطح منطقه ای و جهانی انجام گرفته که از آنها عزم جهانی برای مقابله با فساد و رشوه خواری قابل درک است. این رویکرد سیاست جنایی از یک سو بر جنبه‌های اخلاقی و ارزشی مبارزه با فساد و رشوه خواری تأکید می‌کند و از دیگر سو کاهش هزینه فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را که مرکز اصلی فساد و اعمال نفوذهای ناروا است در بردارد.

در این رابطه سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ کنوانسیون<sup>۱</sup> تحت عنوان «کنوانسیون مبارزه با رشوه‌خواری ماموران عمومی خارجی در معاملات تجاری خارجی»<sup>۱</sup> به تصویب رساند. در ماده ۱ کنوانسیون مذکور پیش‌بینی شده است که «دولت‌های عضو اقدامات ضروری برای جرم تلقی کردن پیشنهاد، قول یا پرداخت هر گونه امتیاز مالی ناروا یا هر گونه امتیاز دیگری را نسبت به یک مامور عمومی خارجی برای این که وی فعلی را انجام داده یا عملی را در رابطه با وظیفه اش در ارتباط با تجارت بین‌المللی ترک کند، انجام دهند». بر اساس بند ۴ (أ) ماده ۱ کنوانسیون مذکور، مقصود از «مامور عمومی خارجی» هر فردی است که مسئولیتی در امر قانون گذاری، اجرایی یا قضایی یک کشور خارجی به صورت انتخابی یا انتصابی دارد همچنین هر فردی است که وظیفه ای عمومی برای یک کشور خارجی انجام می‌دهد از جمله برای یک بنگاه یا موسسه عمومی و هر مامور یا نماینده سازمان بین‌المللی عمومی.

عزم بین‌المللی برای جرم انگاری و مبارزه با فساد اقتصادی و رشوه خواری در قراردادهای بین‌المللی، در «کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد» که بر اساس مقررات ماده ۶۸ آن از ۱۴ دسامبر سال ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا گردیده نیز تبلور یافته است. در ماده ۱۶ کنوانسیون مذکور تحت عنوان «رشوه ماموران عمومی خارجی و کارمندان سازمان‌های عمومی بین‌المللی»<sup>۲</sup> آمده

1- Convention on combating Bribery of Foreign Public Officials in International Business Transactions.

2- Bribery of Public officials and officials of public international organizations.

است: «هر دولت عضو این کنوانسیون، هر مقرراتی را که برای جرم انگاری لازم باشد خواهد پذیرفت؛ در مواردی که تعهد، پیشنهاد یا دادن یک بهره و امتیاز ناروا به یک مامور عمومی خارجی یا مامور یک سازمان عمومی بین المللی برای انجام فعل یا ترک فعلی که از وظایف او محسوب می شود به صورت مستقیم یا غیر مستقیم وجود داشته باشد، به منظور تحصیل یا حفظ بهره تجاری یا دیگر امتیازها ی ناروا در ارتباط با هدایت و پیشبرد تجارت بین الملل».

### ۳- رشوه در سازمان های عمومی بین المللی

پدیده جهانی شدن و گسترش سازمان های بین المللی و نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و وظایف گسترده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حمایتی آنها بحث فساد و رشوه خواری کارمندان و مسئولان این ارگان ها را به موضوع مهمی تبدیل نموده که مواجهه و چاره جویی های پیشگیرانه و کنترلی و استفاده از ضمانت اجراهای کیفی را موجب شده است. بند ۴ (أ) «کنوانسیون مقابله با رشوه ماموران خارجی در معاملات تجاری بین المللی» در توضیح معنای مامور عمومی خارجی، هر مامور یا نماینده سازمان عمومی بین المللی را هم مشمول مقررات کنوانسیون می داند. علاوه بر این همان گونه که در بحث قبل اشاره شد، دولت های عضو کنوانسیون به صورت صریح نسبت به ایجاد مقررات کیفی در مورد رشوه خواری ماموران سازمان های بین المللی اعم از این که رشوه خواری به شکل فعال و بر اساس پیشنهاد رشوه از طرف اشخاص باشد یا به صورت انفعالی و بر اساس درخواست یا قبول مامور سازمان عمومی بین المللی، تشویق شده اند.

همچنین بحث فساد در سازمان های عمومی بین المللی و نحوه پیشگیری و کنترل آن موضوع بحث برخی اجلاس های بین المللی در مورد مبارزه با فساد بوده است. ششمین نشست «گروه بین المللی برای هماهنگی مقابله با فساد»<sup>۱</sup> که از سی ام سپتامبر تا اول اکتبر ۲۰۰۴ در کشور بلژیک برگزار شد، به موضوع معیارهای پیشگیری و کنترل فساد در سازمان های عمومی بین المللی اختصاص داشت. در پایان این اجلاس توصیه های متعددی در مورد نحوه و چگونگی کنترل فساد در سازمان های بین المللی مطرح شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

- نهادهای خانواده سازمان ملل باید به پذیرش معیارهایی برای پیشگیری و کنترل فساد مطابق وظایف خاص و اولویت های مربوط به خود تشویق شوند.
- آموزش های اخلاقی برای کلیه کارمندان سازمان های بین المللی در بدو استخدام و در ضمن کار در نظر گرفته شود.

---

1- International Group for Anti Corruption Coordination (IGAC).

- «فرهنگ گزارش نمودن فساد» (A culture of reporting Corruption) و سایر رفتارهای غلط باید از طریق ابزارهای مناسبی مانند قواعد مدل و تعهد به گزارش از طرف همه کارمندان مورد حمایت قرار گیرد.

- بر استقلال تحقیقات راجع به فساد و دیگر رفتارهای غیر صحیح باید تاکید شود. برای این اساس برای افراد تعقیب کننده فساد در سازمان‌های بین المللی گزارش مستقیم به رئیس سازمان مطلوب خواهد بود.

- سازمان‌های بین المللی باید بازنگری عمیقی نسبت به معیارها و مکانیزم بررسی سلامت داخلی دستگاه خود انجام دهند.

- سازمان‌های بین المللی باید التزام و تعهد خود را نسبت به اصولی که در کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد مورد توجه قرار داده شده است، در نظر بگیرند.<sup>۱</sup>

نگرانی‌ها و دغدغه‌های گروه کاری هماهنگی برای مقابله با فساد در سازمان‌های بین المللی در اجلاس هفتم این گروه که در آوریل ۲۰۰۵ در شهر بانکوک تایلند برگزار شد، استمرار داشت. بحث راجع به ابزارهای پیشگیری از تقلب و فساد در امداد رسانی در موارد بلایای طبیعی و شرایط اضطراری به دنبال حادثه تسونامی (Tsunami) در شرق آسیا (با توجه به فعالیت بیش از دوازده سازمان بین المللی و تعداد زیادی از سازمان‌های امداد رسان غیر دولتی) از اهداف این اجلاس دو روزه ذکر شده است.<sup>۲</sup>

## گفتار دوم: جرم اختلاس

### الف) قلمرو سنتی

#### ۱- مفهوم فقهی اختلاس

عنوان اختلاس مندرج در منابع حدیث و متون فقهی دارای معنا و مفهومی متفاوت با جرم اختلاس مورد مطالعه در حقوق کیفری است. در روایات و گفتمان فقهی شکل گرفته بر اساس آن، اختلاس یکی از انواع سرقت و به معنای ربودن علنی مال دیگری است. با توجه به این که از دیدگاه فقهی، سرقت به معنای ربودن مخفیانه مال دیگری است و حد سرقت با وجود شرایط آن در مورد ربایش‌های مخفیانه مال غیر قابل اجرا است (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۸۸/۴۱)

1- United Nations Office on Drugs and Crime, Report on the Sixth Meeting of the International Group for anticorruption Coordination (IGAC), Brussels, 30 September- 1 October 2004 (WWW. Igac. net)

2- United Nations Office on Drugs and Crime, Report on the Seventh Meeting of the International Group for anti-Corruption Coordination (IGAC), Bangkok, 21 to 22 April 2005 (WWW. Igac. net).

ربایش‌های علنی واجد عنوان سرقت نیست و با عنوان‌های متفاوتی در متون فقهی بررسی شده است (انصاری، ۱۴۱۵: ۱/۳۶۲، آقابابائی، ۱۳۷۸: ۴).

از نظر لغوی اختلاس به ربودن سریع و با استفاده از غفلت صاحب مال ترجمه شده (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱/۱۵۰۹؛ ابن منظور، ۱۹۹۰: ۱/۶۵ و فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۳۰۶) و در اصطلاح فقهی هم به: مواردی که مال به صورت علنی و ظاهری در شوارع و راه‌ها ربوده می‌شود اختلاس گفته می‌شود (طوسی، ۱۴۱۲: ۳/۳۳۶). همچنین کسی که مال را به صورت علنی و بدون توسل به زور و بدون استفاده از سلاح می‌رباید (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۵۲۲/۵۲۲). و یا که کسی با استفاده از غفلت صاحب مال، مال او را می‌رباید، مختلس نامیده می‌شود (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۱/۵۹۷).

با این توضیح می‌توان گفت از دیدگاه فقهی، اختلاس شیوه خاصی از ربودن علنی مال بوده و این که مال متعلق به شخص حقیقی یا حقوقی باشد یا رباینده مال از کارکنان و مستخدمان عمومی باشد، تأثیری در این امر ندارد. اختلاس به این معنا یک جرم تعزیری محسوب شده و اختلاس کننده با نظر حاکم و قاضی تعزیر می‌شود. بحث دیگری که در «حد سرقت» مورد توجه فقیهان اسلام قرار گرفته است این است که مال مورد سرقت نباید از اموال مشترک بین سارق و مال باخته و یا از مواردی باشد که شبهه شرکت وجود دارد. بر این مبنا سرقت از اموال عمومی و بیت المال مورد بحث قرار گرفته و حد قطع در این موارد منتفی و یا دارای شبهه دانسته شده است (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۱/۴۸۳).

نتیجه این که در منابع حدیث و گفتمان فقهی، هر چند بحث از تعدیات مامورین و موظفین عمومی نسبت به اموال عمومی و بیت المال مطرح شده است، اما این جرم با عنوان کیفری اختلاس مطرح در حقوق کیفری امروزی متفاوت است و تعدی نسبت به بیت المال فارغ از این که مرتکب آن ماموران عمومی و متصدیان بیت المال و یا افراد عادی باشند با عنوان سرقت از بیت المال با پاسخ و کیفر یکسانی مواجه است و به دلیل شبهه ملکیت و اشتراک، معمولاً حد سرقت هم قابل اجرا نبوده و کیفری تعزیری در نظر گرفته می‌شود.

## ۲- مفهوم حقوقی

جرم اختلاس در حقوق کیفری در ذیل بحث جرایم علیه اموال و مالکیت و به عنوان یکی از عناوین مجرمانه مرتبط با جرم خیانت در امانت، و در برخی آثار حقوقی در زمره جرایم علیه آسایش عمومی مطرح شده است. هر چند در قوانین موضوعه تعریفی از جرم اختلاس نشده است، در گفتمان حقوقی، جرم اختلاس به خیانت ماموران و کارکنان دولتی و عمومی نسبت به اموالی که به حسب شغل و وظیفه در اختیار آنها قرار گرفته است اطلاق می‌شود. بر این اساس از جهت عنصر مادی جرم، تفاوت‌هایی بین جرم خیانت در امانت و اختلاس وجود دارد.

تعریف‌های حقوق دانسان از جرم اختلاس، نمایانگر تفاوت این جرم با جرم خیانت در امانت است.<sup>۱</sup>

در قوانین موضوعه بسیاری از کشورهای دارای حقوق نوشته، جرم اختلاس به تصاحب برداشت یا هر نوع مداخله در اموال دولتی و از سوی کسانی که اموال مذکور به مناسبت شغل و وظیفه در اختیار آن‌هاست اطلاق گردیده و یکی از عناصر اصلی جرم اختلاس، صفت کارمند دولت بودن یا اشتغال مرتکب در بخش خدمات عمومی ذکر شده است.

قانون گذار ایران در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷) کارمند دولت بودن را یکی از عناصر تحقق جرم اختلاس می‌داند.<sup>۲</sup> اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در دو نظریه مشورتی بر این عقیده است که «اصل بر

۱ - «اختلاس به نوع خاص از جرم خیانت در امانت مأمورین دولت اطلاق می‌شود و آن عبارت است از این که مأموری که بر حسب وظیفه قانونی مال دولت به او سپرده شده، آن را به طریق نامشروع تصاحب نماید» (ولیدی، ۱۳۷۳: ۲/۳۱۲).

«مختلس مأمور دولت یا مأمور خدمات عمومی یا یکی از شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت یا مأمور سایر مؤسساتی است که به کمک مستمر دولت اداره می‌شود و آگاهانه اموال یا وجوه متعلق به دولت را - که بر حسب وظیفه و به طور امانی به او سپرده شده - به نفع خود و برخلاف اصل امانت‌داری تصاحب و برداشت می‌نماید» (همان).

«خیانت مأمور دولت در اموالی که بر حسب وظیفه به او سپرده شده است» (شامبیانی، ۱۳۷۵: ۱۳۳).  
«اختلاس عبارت است از اقدام یک کارمند بر اختلاس آن چه اداره‌اش نگهداری آن را به حکم وظیفه به او سپرده است، چه وجه نقد باشد یا اشیای دیگر و فرقی نمی‌کند که این وجوه نقد و اشیاء، مربوط به دولت باشد یا متعلق به یکی از مردم» (جرجس، ۱۹۹۶: ۳۰).

«اختلاس اموال عمومی عبارت است از اخذ اشیایی که به حکم قانون در حیات کارمند دولت یا کسی که در حکم کارمند باشد چه این اشیاء مملوک دولت باشد یا افراد، به نیت اضافه نمودن آن اموال به ملک خاص خود یا دیگری...» (جورانی، ۱۹۹۰: ۶۲).  
«اختلاس گرفتن عمدی و تبدیل کردن پول یا مال دیگران که به طور قانونی در اختیار فرد قرار گرفته بوده، به مال شخصی، سوء استفاده از سمت یا امانت؛ وضعیت قانونی مزبور ممکن است ناشی از سمت رسمی، مقام عمومی، استخدام یا امانت باشد» (آقای، ۱۳۷۸: ۴۸۱).

«اختصاص دادن متقلبانه و غیر مشروع مال توسط شخصی است که حیات آن قانوناً به وی سپرده شده است. اختلاس عبارت است از: برداشتن عمدی پول یا مال دیگری برای خود یا واگذاری به شخص دیگر، به دلیل کارمند یا مستخدم بودن یا موقعیت کاری» (Black M. A, 1990: 255).

۲ - «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیر رسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است، به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید، مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد، به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن، محکوم می‌شود»

این است که تصرف و تصاحب در اموال متعلق به دولت از مصادیق جرم اختلاس است و استثنائاً دخل و تصرف در اموالی که بر حسب وظیفه به کارمندان دولت سپرده شده، در حکم اختلاس است» (شهری، ۱۳۷۷: ۴۶۸).

در قانون مجازات مصر، عراق، فرانسه، سوریه و لبنان<sup>۱</sup> نیز، سمت مرتکب یا صفت جانی از جهت کارمند دولت بودن یکی از ارکان اصلی جرم اختلاس دانسته شده است (رضانی، ۱۳۸۱: ۱۱۳). یکی از حقوق دانان مصر درباره ارکان جرم اختلاس می‌نویسد:

«جرم اختلاس بر پنج رکن استوار است: صفت مرتکب، عمل اختلاس، نوع اشیای اختلاس شده، تسلیم این اشیا به جانی به سبب وظیفه و قصد بزهکاری» (امین بک، ۱۹۸۲: ۸۰).

بنابراین، لازم است مختلس کارمند عمومی دولت یا در حکم کارمند عمومی دولت باشد. این افراد عبارت‌اند از: کارمندان دولت مرکزی و محلی، رؤسا و اعضای مجالس، افراد نیروهای مسلح و هر کسی که یک کار معین حکومتی به او سپرده شده است و همچنین افرادی که در خدمات عمومی مشغول به کار می‌باشند (یهنام، بی تا: ۶۶).

در حقوق انگلستان تا قبل از سال ۱۹۶۹ جرم خاصی با عنوان اختلاس وجود داشت که به معنای تصاحب متقلبانه وجه یا مال متعلق به کارفرما از سوی مستخدم بود. در حال حاضر این عمل در قالب جرم سرقت مورد بحث قرار می‌گیرد (A. martin, 2002: 16).

معنا و مفهوم سنتی اختلاس در کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به فساد هم مورد توجه قرار گرفته و در ماده ۱۹ کنوانسیون، اختلاس، حیف و میل و یا هر گونه انحراف مالی توسط مأمور عمومی نسبت به اموال عمومی، جرم انگاری شده است.

#### ب) گسترش جرم انگاری

با عنایت به مباحثی که در بحث راجع به رشوه مطرح شد، روند خصوصی‌سازی در کشورهای جهان و کاهش تصدی دولت، این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا جرم اختلاس در بخش خصوصی و غیردولتی قابل طرح است؟ به عبارت دیگر، در دنیای امروز بسیاری از فعالیت‌هایی که به صورت سنتی از وظایف حاکمیتی دولت‌ها محسوب می‌شده است از قبیل بانک داری، بیمه، پست و مخابرات، تولید و عرضه انرژی و حتی زندان بانی و مراقبت از زندانیان به بخش خصوصی واگذار شده است. بر این اساس آیا می‌توان بیشتر بودن قبح اخلاقی و قابلیت سرزنش برداشت و تصاحب

۱- «هر کارمندی که هر آن چه امر اداره کردن آن یا صیانت و حفاظت از آن، به حکم وظیفه به او سپرده شده است، پول یا اشیای دیگر متعلق به دولت یا مردم را اختلاس کند، به حبس از شش ماه تا سه سال و به غرامتی که اقل قیمت مال برگشت داده شده است، محکوم می‌شود».

اموال دولتی را در قیاس با همین رفتار در بنگاه‌های متعلق به بخش خصوصی و غیر دولتی توجیه کرد؟ یا این که اگر یکی از کارکنان احزاب سیاسی یا شرکت‌های خصوصی و غیره، اموالی را که به حسب وظیفه به وی سپرده شده است، تصاحب نماید، می‌توان با توسعه دایره جرم اختلاس، مرتکب این رفتارها را هم مختلس نامید؟<sup>۱</sup>

در حقیقت سؤال فوق به این نکته برمی‌گردد که در تحقق جرم اختلاس کارمند دولت بودن شرط است یا این که معیار تحقق این جرم در اختیار داشتن اموال دیگران بر حسب وظیفه و تصاحب آنها به نفع خود یا دیگری است؟

همان گونه که اشاره شد در حقوق ایران و بسیاری کشورهای دیگر عنوان کیفری اختلاس همواره به تصرف و تصاحب کارکنان دولت و شهرداری‌ها و به طور کلی افراد شاغل در بخش عمومی نسبت به اموال دولت و یا اموالی که به حسب وظیفه و شغل در اختیار آنها است، اطلاق گردیده است (ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری).

قانون گذار مصر بعد از طرح موضوع جرم اختلاس در مورد اموال دولتی، در ماده ۱۱۳ مکرر از قانون مجازات، تصاحب اموال شرکت‌های سهامی توسط کارمندان این شرکت‌ها را هم با وجود این که شاغل در بخش عمومی نیستند جرم اختلاس دانسته است.

این ماده اشعار می‌دارد:

«هر یک از رؤسا یا اعضای هیأت مدیره یکی از شرکت‌های سهامی یا مدیر یا کارمند آن شرکت‌ها، اموال یا اوراق یا غیر آنها را که به حسب وظیفه در اختیارش بوده است، اختلاس نماید یا بدون دلیل در آن‌ها تصرف غیرمجاز نموده یا حیازت و استیلا بر آنها را برای دیگری تسهیل نماید، به هر طریقی که باشد، به مدتی که از پنج سال تجاوز نمی‌کند، به زندان محکوم می‌شود و مجازات حبس در صورتی که استیلا بر مال به نیت تصاحب صورت نپذیرد، از دو سال تجاوز نمی‌کند...» (نجیب حسنی، ۱۹۹۲: ۱۱۷).

تعبیر قانونگذار مصر از مرتکب به «رئیس یا عضو هیأت مدیره یا مدیر یا کارمند یکی از شرکت‌های سهامی» تعبیری عام است که شامل هرکس که در یکی از این شرکت‌ها کار می‌کند، می‌شود. از نظر کیفیت ارتباط هیچ فرقی بین نوع رابطه استخدامی شخص با شرکت وجود ندارد و لازم نیست که ارتباط کارمند با شرکت دائمی باشد. معیار این است که در زمان ارتکاب عمل اختلاس، مرتکب نباید از خدمت شرکت منفک شده باشد (همان: ۱۱۹).

۱- البته روشن است که در فرضی که این رفتار به عنوان اختلاس هم توصیف نشود، با توجه به مقررات عام خیانت در امانت عمل فرد قابل تعقیب است.

با التفات به این امر که تصاحب و دست اندازی نسبت به اموال شرکت‌ها و بنگاه‌های متعلق به بخش خصوصی هم از نظر ضوابط کلی جرایم علیه اموال واجد وصف کیفری خیانت در امانت است، اهمیت طرح بحث پیش بینی جرم اختلاس نسبت به خیانت در امانت کارکنان بخش خصوصی در شدت مجازات‌ها و سخت گیری قانون گذار نسبت به اختلاس کنندگان است. علاوه بر این که بحث سپردن مال که در جرم خیانت در امانت از اهمیت ویژه ای برخوردار است، در جرم اختلاس به صرف در اختیار بودن اموال به مناسبت شغل و وظیفه و تصرف یا تصاحب آنها بر خلاف وظیفه تحقق عینی یافته و دفاع سپرده نشدن مال به مرتکب قابل طرح نیست.

توسعه در مفهوم حقوقی اختلاس و تسری آن به شاغلان در شرکت‌ها و بنگاه‌های متعلق به بخش خصوصی از جمله نوآوری‌های کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل در موضوع اختلاس است. در ماده ۲۲ کنوانسیون مذکور آمده است:

« هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مد نظر خواهد داد تا ارتکاب اختلاس در حین فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی، توسط شخصی که در هر جایگاهی در بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌کند، از هر مال، وجوه خصوصی یا اوراق بهادار یا هر چیز با ارزشی که به موجب جایگاه شغلی وی به او واگذار شده است، در صورتی که به صورت عمدی ارتکاب یافته باشد، به عنوان جرم کیفری تلقی گردد»<sup>۱</sup>.

نظر به این که جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون سازمان ملل در مبارزه با فساد را امضا نموده و مقدمات الحاق رسمی به آن هم با لایحه تقدیمی دولت جمهوری اسلامی و تصویب مجلس شورای اسلامی فراهم شده است، می‌توان امیدوار بود خلأ قانونی در خصوص جرم تلقی شدن اختلاس در بخش خصوصی مرتفع گردیده و تصرف و تصاحب در اموالی که به مناسبت شغل و وظیفه در اختیار افراد است اعم از این که مال متعلق به بخش عمومی یا خصوصی است یا فرد شاغل در بخش خصوصی یا دولتی است، به عنوان اختلاس جرم تلقی گردیده و از بار ارزشی یکسانی برخوردار باشد.

جمهوری اسلامی ایران در ۹ دسامبر ۲۰۰۳ در دبیرخانه سازمان ملل متحد کنوانسیون مذکور را امضا نموده و در جلسه علنی ۱۳۸۵/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی با تصویب ماده واحده ای به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه الحاق رسمی و تودیع سند الحاق نزد امین اسناد کنوانسیون

۱- در لایحه تقدیم شده از طرف هیأت وزیران به مجلس شورای اسلامی کلمه Intentional با کلمه International اشتباه شده و «به صورت عمدی ارتکاب یافته باشد» به «به صورت بین المللی ارتکاب یافته باشد» ترجمه شده است.

دبیرکل سازمان ملل) داده شده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب با تایید مصوبه مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان قانون اساسی، کنوانسیون سازمان ملل در باره مبارزه با فساد به عنوان قانون لازم‌الاجرا تلقی می‌شود و باید امیدوار بود اقدامات پیشگیرانه مورد توجه در کنوانسیون رویکرد مبارزه با فساد را به شکل علمی تغییر دهد و جرم انگاری‌های جدید مندرج در مواد کنوانسیون بتواند خلأ قانونی موجود برای مبارزه با فساد و رشوه خواری در بخش‌های غیر دولتی و رشوه در قراردادهای بین‌المللی و ماموران سازمان‌های بین‌المللی را مرتفع نماید.

### نتیجه‌گیری

مبارزه با فساد اقتصادی و اداری در دنیای امروز امری فرا ملی و فرا منطقه ای بلکه از ضرورت‌های جهانی شدن و به عنوان موضوعی حیاتی در سالم سازی اجتماع و تسهیل ارتباط صحیح انسان با محیط پیرامون خویش است. براین اساس امر مبارزه با فساد از سطح دولت‌های ملی و یا سازمان‌های منطقه ای فراتر رفته و از طرف مهم‌ترین سازمان بین‌المللی (سازمان ملل متحد) به عنوان موضوعی که مورد خواست و نیاز تمام کشورهای عضو است، در کنوانسیون این سازمان مورد توجه قرار گرفته است. سیاست جنایی مبارزه با فساد مالی و اقتصادی که در کنوانسیون مذکور تعقیب می‌گردد از طرفی به اقدامات پیشگیرانه ضد فساد توجه ویژه می‌دول داشته و از سوی دیگر با تغییر الگوها و مرزهای سنتی جرایمی مانند رشوه و اختلاس، رشوه‌گیری توسط ماموران شاغل در بخش خصوصی و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی و یا در ارتباط با معاملات تجاری بین‌المللی را جرم تلقی نموده است. همچنین با تغییر سنت حقوقی موجود، اختلاس در بخش خصوصی را هم جرم تلقی و به کشورهای عضو سازمان ملل جرم انگاری بر اساس مقررات جدید را توصیه نموده است.

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر ضرورت مبارزه با فساد اقتصادی و اداری را درک و با وضع مقررات و آیین‌نامه‌هایی عزم خود را جهت مبارزه با فساد اعلام نموده است. امضای

۱- متن ماده واحده: «به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده شد با رعایت اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تبصره زیر به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مصوب ۸۲/۸/۹ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) مشتمل بر ۷۱ ماده به شرح پیوست ملحق شود و سند الحاق را نزد امین اسناد کنوانسیون (دبیرکل سازمان ملل متحد) تودیع نماید.

تبصره: جمهوری اسلامی ایران خود را ملتزم به ترتیبات موضوع بند ۲ ماده ۶۶ کنوانسیون در خصوص ارجاع هر گونه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای آن که از طریق مذاکره حل و فصل نشود به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌داند. ارجاع اختلاف به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری صرفاً در صورت رضایت همه طرف‌های اختلاف ممکن است (نقل از سایت اطلاع رسانی خبرگزاری فارس و مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۵/۱/۲۰).

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد و تصویب لایحه الحاق رسمی جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون در مجلس شورای اسلامی اقدامی شایسته در این راستا ارزیابی می‌گردد تا علاوه بر رفع خلأهای قانونی موجود از طریق جرم‌انگاری‌های جدید، اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده مفیدی را همزمان با مبارزه کیفی با فساد به ارمغان آورد.

## منابع

### الف - فارسی

- ۱- آقابابائی، حسین. تحولات قانونی جرم سرقت در حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.
- ۲- آقایی، بهمن. فرهنگ حقوقی بهمن. تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۳- آموزگار، حبیب‌الله. فرهنگ آموزگار. تهران، چاپ دوم، ۱۳۳۲.
- ۴- ابن‌ادریس، محمد، سرائر، ج ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ۵- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۶، دار صادر بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۰م.
- ۶- امین‌بک، احمد، شرح قانون العقوبات الاهلی، دارالعربیة للموسوعات، چاپ دوم، ۱۹۸۲م.
- ۷- انصاری، محمد علی، موسوعه الفقهیه المیسره، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- ۸- بهنام، رمسیس، جرائم المضرة بالمصلحة العمومیة، منشأة المعارف، اسکندریه، بی‌تا.
- ۹- پاتنی افو سو و دیگران. چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد(مالی). ترجمه احمد رنجبر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۰- جرجس، جرجس، معجم المصطلحات الفقهیه و القانونیه، الشركه العالمیه للكتاب، چاپ اول، ۱۹۹۶م.
- ۱۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران گنج دانش، چاپ دوم.
- ۱۲- الجورانی، عبدالرحمن، جرمه اختلاس الاموال العامه فی التشريع والقضاء العراقی، بغداد، مطبعه الجاحظ، ۱۹۹۰م.
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
- ۱۴- دلماس مارتی-میری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۵- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷.
- ۱۶- رضائی، احمد، اختلاس (بررسی فقهی-حقوقی)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۱۷- شامبیاتی، هوشنگ، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویراستار، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۱۸- شریعت باقری، محمد جواد، رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای بین‌المللی، بانک اطلاعات حقوقی (سایت اطلاع‌رسانی دادگستری استان تهران).
- ۱۹- شهری، غلامرضا و سروش، ستوده جهرمی، نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

- ۲۰- صدوق، ثواب الاعمال، منشورات شریف رضی، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۸.
- ۲۱- طوسی، نهایه، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۲ق.
- ۲۲- عبدالملک، جندی، موسوعه الجنائیه، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۶م.
- ۲۳- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، سپهر، چاپ نهم، بی تا.
- ۲۴- کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲۵- فیروز آبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ۲۶- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۲۷- وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، موسوعه الفقہیہ، ج ۲۴، ۱۹۹۰م.
- ۲۸- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- ۲۹- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱م.
- ۳۰- نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)، مصر، دارالنہضه العربیہ، ۱۹۹۲م.

ب- لاتین

- 31- A. martin (Elizabeth), **Dictionary of Law, Oxford University**, 5th Ed, 2002.
- 32- Compel Black, M. A (Henry), **Black's Law Dictionary**, West Publishing Co, 4th Ed, 1951 .
- 33- Council of Europe, 1998, December 1. **“Explanatory Report on the Criminal Law Convention”** MGC (98) 40. Strasbourg .
- 34- **United Nations Office on Drugs and Crime**, Report on the Sixth Meeting of the International Group for anticorruption Coordination (IGAC), Brussels, 30 September- 1 October 2004 (WWW. Igac. net)
- 35- **United Nations Office on Drugs and Crime**, Report on the Seventh Meeting of the International Group for anti-Corruption Coordination (IGAC), Bangkok, 21 to 22 April 2005 (WWW. Igac. net)
- 36- [www.unodc.org](http://www.unodc.org)
- 37- [www.iccwbo.org](http://www.iccwbo.org)
- 38- [www.transparency.org](http://www.transparency.org)
- 39- [www.iterpol.int](http://www.iterpol.int)
- 40- [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)